

An Analytical Investigation into Decrees Issued by the Aṣṭan Quds Razavi during the Timurid Era

Abolfazl Hasanabadi¹ 

1. PhD in Local History. Head of the Center for the Translation of Islamic Knowledge, Aṣṭan Quds Razavi Research Foundation. Mashhad. Iran. ahassanabady1@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 01/12/2024

Received from revised: 19/01-2025

Accepted: 09/02/1405

Available online: 18/03/2025

Keywords:

Noqaba,
Aṣṭan Quds Razavi,
Mashhad,
Imam Reza Holy Shrine,
Mousavi and Razavi Sayyids,
Timurid Era.

Abstract

Introduction: The Timurid era (771–916 AH) is considered a remarkable era in the history of the Islamic world. Over this era, Mashhad emerged as a great princely seat, garnering significant patronage from monarchs such as Shahrokh (807–850 AH) and Soltan Hossein Bayqara (862–911 AH). The architectural synthesis of the Goharshad Mosque and various schools paved the way for the transformation of the Holy Shrine of Imam Reza (AS) into a significant place for political and administrative decisions.

Explicating the exact administrative origins of Aṣṭan Quds Razavi is still a historiographical challenge, but officials have consistently overseen the shrine's affairs since the Ghaznavid period. Over the history these officials have been identified as Naqib, a title that transitioned to Motawalli or Naeb al-Towliya in the Safavid era. Primary archival documents are considered the most veracious sources for discovering the institutional evolutions; however, few original documents of the Timurid era have survived. The existing records are mainly used as copies in the contemporary royal letters (Monsha'at), such as the Munsha'ate Meybodi and the Khajeh Abdollah Morvarid's Monsha'at. This study examined the diplomatics of these records, their informative value, and the structural differences among the decrees that issued by the Aṣṭan Quds Razavi or Sultan Hossein Bayqara.

Materials and Methods: Using a documentary-archival method and focusing on both diplomatics and substantive content analysis, this study explored one decree (Neshan) and two mandates (Manshours). The first document (issued in 845 AH), preserved in the Safineh manuscript at the National Library, authorizes the collection of votive offerings. It was issued to Sayyid Ahmad al-Mashhadi by two prominent Mousavi Sayyids, Mohammad ibn Abd al-Muttalib and Ali Akbar ibn Ala al-Din, authorizing him to gather donations for the Holy Shrine. The second document (the copy of the decree of Imam), found in the Al-Mashikhah (Kanz al-Salekin) manuscript, this document was issued by the supervisors (noqaba) of the Holy Shrine to honor and express gratitude toward Hamouei Yazdi upon his departure from Mashhad (Hamuei, 1399/2020, pp. 130-136). The third document is The imperial Manshur of Sultan Hussein Bayqara (906 AH), a administrative mandate, issued

Cite this article: Hasanabadi, Abolfazl. (2025). An Analytical Investigation into Decrees Issued by the Aṣṭan Quds Razavi during the Timurid Era. *Journal of Documentary and Archived Studies*, 3(2), 5-28



© Authors retain the copyright.

Publisher: The Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan-e Quds Razavi.

DOI: <https://doi.org/000>

by the sovereign in favor of Salek al-Din Mohammad Hamouei as he traveled from Herat to Yazd. It commands provincial governors and road wardens to ensure his protection and provide an escort to his destination (Hamuei, 1399/2020, pp. 137-138). Archival method was used to explore all aspects of the originality of the documents, and systematically rewrite it. The data was categorized into informative tables to facilitate a comparative analysis of structural elements and institutional hierarchies.

Results: The explored documents showed the remarkable administrative significance and institutional prestige of the Holy Shrine of Imam Reza (AS) over the Timurid era. The Mousavi and Razavi Sayyids were not merely religious personalities but belonged to the great scholarly and political elite of this period. Their religious and political status, as well as the sacral legitimacy of the Holy Shrine, created a unique power and empowered the organization to issue its decrees and mandates for internal governance. The structural features of Aṣṭan Quds Razavi's documents show distinct nuances when compared to those issued by the Timurid imperial court. The macro structure show certain formal similarities, but a significant divergence is evident in the the conclusion of the document. Specifically, the linguistic register shifts from the categorical and imperative tone of the imperial mandates to a highly respectful tone of the decrees issued by the authorities of the Holy Shrine.

Conclusion: The analysis of these documents showed the operational mechanisms of religious organizations in this era and demonstrated the strategic patronage extended by Timurid monarchs toward a Shiite center of power. Historically, studies have confined Timurid support for the Holy Shrine to the realm of architectural endowments and material gifts; however, this study revealed the administrative autonomy and the extent of jurisdictional authority held by the Holy Shrine. A comparative study of Aṣṭan Quds documents and imperial mandates revealed that, due to the different nature of their issuance, they are fundamentally distinct in both rhetorical tone and content.



بررسی تحلیلی نشان‌های صادره از آستان قدس رضوی در دوره تیموری

ابوالفضل حسن آبادی^۱

۱. دکترای تاریخ محلی. کارشناس مسئول مرکز ترجمان معارف اسلامی. بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی. مشهد. ایران.
ahassanabady1@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

مقدمه:

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

کلیدواژه‌ها:

نقبا،

آستان قدس رضوی،

مشهد،

حرم امام رضا (ع)،

سادات موسوی و رضوی،

دوره تیموری.

دوره تیموری (۷۷۱-۹۱۶ق) از جمله هنگامه‌های مهم تاریخی در جهان اسلام محسوب می‌شود. در این عصر، مشهد به عنوان یکی از مراکز امیرنشین تیموری مورد توجه پادشاهان تیموری از جمله شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ق) و سلطان حسین بایقرا (۸۶۲-۹۱۱ق) بود. بنای مسجد گوهرشاد و مدارس دینی، زمینه اهمیت یافتن بیشتر حرم مطهر امام رضا (ع) به عنوان عامل تصمیم‌گیری سیاسی و اداری را فراهم نمود. تعیین سابقه اداری رسمی برای آستان قدس رضوی دشوار است. در دوره‌های مختلف تاریخی از غزنویان (۳۴۴-۵۸۳ق) تاکنون، همواره مسئولی برای اداره امور حرم مطهر رضوی وجود داشت. در دوره‌ای به این مسئول نقیب و از دوره صفویه به بعد، تولیت و نائب‌التولیه گفته می‌شود. اسناد یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی دست‌اول در بررسی تحولات هر دوره است که به میزان دسترسی به آن‌ها می‌توان پژوهش‌های دقیق‌تر و کامل‌تری انجام داد. از دوره تیموری اصل اسناد زیادی باقی نمانده و بیشتر آن‌ها سوادهایی هستند که در منشآت این دوره مانند منشالانشا، منشآت میبدی و منشآت خواجه عبدالله مروارید آورده شده است. درباره آستان قدس رضوی نیز اسناد زیادی از این دوره باقی نمانده و صرفاً چند سواد حکم در منشآت آورده شده است. مهم‌ترین سؤالات این مقاله عبارت است از اینکه مهم‌ترین مؤلفه‌های سندشناسی در سند مورد بررسی چه می‌باشد؟ ارزش اطلاعاتی و محتوایی اسناد چیست و تفاوت ساختاری اسناد صادره از سوی آستان قدس رضوی با منشور صادره از سوی سلطان حسین بایقرا چه می‌باشد؟

استناد: حسن آبادی، ابوالفضل (۱۴۰۴). بررسی تحلیلی نشان‌های صادره از آستان قدس رضوی در دوره تیموری.

پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، ۳ (۲)، ۲۸-۵. <https://doi.org/000>

ناشر: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نویسندگان ©



مواد و روش:

در این مقاله یک نشان و دو منشور مورد بررسی قرار گرفته است. اولین سند آستان قدس رضوی دربارهٔ اذن جمع‌آوری نذورات در نسخهٔ خطی به نام سفینه در کتابخانهٔ ملی آمده است. سند مورد معرفی با عنوان منشور اذن است به گرفتن نذور از آستان سلطان الأولیاء امام الجن و الانس سلطان ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه والثناء آمده است. (سفینه، ۱۷۹/۱۷۸) این سند منشوری است که در ۸۴۵ ق برای سید احمد بن المغفور سید هندو بن المبرور سید حسام‌الدین الحسینی المشهدی جهت جمع‌آوری نذورات برای حرم امام رضا (ع) از سوی دو نفر از سادات موسوی به نام‌های محمد بن عبدالمطلب بن طاهر الموسوی و علی اکبر بن علاءالدین بن عبدالمطلب الموسوی صادر شده است. سند دوم با عنوان سواد نشان حضرت امام علیه التحیه و الثناء در نسخهٔ خطی المشیخه (کنز السالکین) دربردارندهٔ مجموعه اجازات و یادداشت‌های دانشمندان و رجال قرن نهم و دهم و نیمهٔ اوّل قرن یازدهم هجری قمری، آمده است. (حموئی، ۱۳۹۹: ۱۳۰-۱۳۶) این سند به درخواست حموئی یزدی در زمان برگشت از مشهد به یزد توسط نقبا حرم مطهر امام رضا (ع) برای تشکر و تکریم از او صادر شده است و سند سوم منشور سلطان حسین بایقرا دربارهٔ سالک‌الدین محمد حموی است. این سند منشوری است دیوانی که چون سالک‌الدین بتاریخ ۱۶ ذی‌قعدة ۹۰۶ قصد بازگشت از هرات به یزد می‌کند به فرمان سلطان حسین بایقرا در حق او و همراهانش صادر می‌شود. این فرمان خطاب به حکام شهرها و ولایات مسیر و امیران و راهداران و مبنی بر تکریم مالک‌الدین محمد و همراهان او و عدم تعرض بدیشان و بدرقهٔ آنان تا رسیدن به مقصد است. (حموئی یزدی، ۱۳۹۹: ۱۳۷-۱۳۸) روش پژوهش اسنادی و آرشیوی است که در آن اسناد از جنبه سندشناسی و سندپژوهی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به صورت روشمند بازنویسی خواهد شد. برای فهم بهتر محتوا اطلاعات اسناد در قالب جداول اطلاعاتی دسته‌بندی محتوا شده و به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

یافته‌های پژوهش:

اسناد صادره حاکی از اهمیت حرم مطهر امام رضا (ع) و شأن اداری آن در دورهٔ تیموری است. سادات موسوی و رضوی در زمرهٔ علما و رجال این دوره محسوب می‌شدند و جایگاه مذهبی و سیاسی آنان در کنار شأن مذهبی حرم، مؤلفه‌های قدرتی را فراهم کرده بود که امکان صدور نشان و منشور را برای ادارهٔ امور این نهاد مذهبی فراهم می‌کرد. عناصر سندشناسی اسناد صادره از آستان قدس رضوی با دربار تا حدی متفاوت است. هرچند در ساختار سند شباهت‌هایی وجود دارد، اما در محتوا به‌ویژه در خاتمه سند، تفاوت آشکار وجود دارد؛ جایی که لحن اسناد از دستوری در منشور سلطانی به محترمانه در آستان قدس رضوی تغییر می‌کند.

نتیجه:

بررسی این اسناد مبین کارکرد نهادهای مذهبی در این دوره و حمایت پادشاهان تیموری از یک نهاد شیعی است، زیرا تاکنون بیشتر مصادیق حمایت از حرم امام رضا (ع) در هدایا و ساخت و ساز اماکن خلاصه می‌شد و کمتر به جایگاه اداری آن و میزان اختیارات در ادارهٔ امور توجه شده است. بررسی تطبیقی اسناد آستان قدس رضوی با منشور حکومتی نشان می‌دهد که به دلیل تفاوت در ماهیت صدور سند، در لحن و محتوا بایکدیگر مشابه نیستند.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون درباره نشان‌ها و منشورهایی که برای تکریم و حمایت از افراد موردتوجه به دلایل مختلف صادر گردیده، پژوهش‌های اندکی انجام شده است. نقدی (۱۳۹۲) در مقاله «سواد جواز امیر علاءالملک موسوی متولی حرم مطهر رضوی برای شیخ محمد الحموی به تاریخ اواسط دهه دوم محرم سال ۹۰۶» نشان صادره از آستان قدس رضوی را بانویسی محتوایی نموده و درباره سادات موسوی توضیحاتی داده است. بشری (۱۴۰۱) نیز در مقاله «منشور اذن دریافت نذورات و هدایای آستان قدس به قلم سیمی نیشابوری» ضمن معرفی منشور آستان قدس رضوی به سال ۸۴۵ ق، درباره احترام سادات در دوره تیموری و نویسندۀ منشور اطلاعاتی آورده است، هرچند که برداشت او از صادرکننده سند اشتباه می‌باشد. علاوه بر این دو مقاله که مرتبط با موضوع موردبررسی است، برخی نوشته‌های دیگر نیز به نحوی به این موضوع پرداخته‌اند. میری و همکاران (۱۳۸۰) در مقاله «گنبدخشتی مشهد (مقبره امیر سلطان غیاث‌الدین محمد بن موسی بن جعفر)»، به بررسی ساختمان گنبد خشتی و شخصیت امیر سلطان غیاث‌الدین محمد و سادات موسوی در دوره تیموری پرداخته‌اند. نقدی (۱۳۹۰) در مقاله «سادات موسوی و نقش آن‌ها در اداره حرم مطهر امام رضا (ع)» به سابقۀ ورود سادات رضوی به مشهد و به‌ویژه عملکرد آنان در دوره تیموری در خراسان و مشهد پرداخته است. چاهیان بروجنی و چلونگر (۱۳۹۹) در مقاله «نقابت مشهد در عصر تیموری» ضمن تعریف نقابت و کارکردهای آن و نقبای مشهد از قرون اولیه، نقبای سادات موسوی و رضوی را در دوره تیموری معرفی و کارکرد آنان را موردتوجه قرار داده‌اند. حسن‌آبادی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نشان‌های حج در دوره تیموری» به بررسی ساختار سندشناسی و سندپژوهی نشان‌های حج پرداخته که تا حدی محتوای آن به لحاظ سندشناسی با این مقاله مرتبط است. در نسخۀ خطی کتاب مشیخه، انتشاریافته در ۱۳۹۹ش توسط میراث مکتوب، دو سند موردبررسی در این مقاله (نشان آستان قدس رضوی مورخ ۹۰۶ق و منشور سلطان حسین بایقرا) منتشر شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش اسنادی و آرشیوی است که در آن اسناد از جنبه سندشناسی و سندپژوهی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به صورت روشمند بازنویسی خواهد شد.

توصیف اسناد موردبررسی

اسناد موردبررسی در این مقاله شامل یک نشان و دو منشور است. اصطلاح نشان به فرمان، حکم و یرلیغ و آنچه باعث شناختن فردی شود، اطلاق می‌گردد. (انوری، ۱۳۸۱: ۷۸۲۰/۸-۲۱) نشان در دوره‌های مختلف تاریخی مفاهیم متفاوتی داشته است. در دوره ایلخانان به سواد فرمان نشان می‌گفتند و در دوره صفویه برای اعطای تیول و سیورغال کوچک به کار می‌رفت. قائم مقامی معتقد است که در دوره تیموری سلسله مراتبی برای صدور اسناد وجود داشته که می‌توان به فرمان، منشور، مثال، حکم و نشان اشاره نمود. (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۷۸-۸۱) با توجه به نشان‌های موجود مشخص است که صدور آن‌ها جنبه موقتی و غیردائمی داشته و در موارد خاص برای افرادی که با دربار نزدیک بوده و یا موردتوجه بوده‌اند، صادر می‌شده است. در دوره تیموری نشان‌های فراوانی در زمینه شغلی و حمایتی در منشآت این دوره مانند منشاء الانشاء وجود دارد. (حسن‌آبادی، ۱۳۹۷: ۶-۲۵) درباره نشان و ارکان آن در منابع دوره تیموری اطلاعاتی نیامده است، اما درباره منشور اطلاعات بیشتری وجود دارد. منشور به معنی حکم و فرمان سرگشاده امیران و پادشاهان است با این تفاوت که در آن لطف یا بخششی صورت می‌گیرد. (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۴۸-۵۰) گاوآن در کتاب مناظر الانشاء درباره شرایط نگارش منشور می‌آورد که «بدان که در اوایل سطور لفظ هو یا اسمی از اسماء الله جهت تبرک و تمیز می‌نویسد» (همان: ۲۱۵) و

افزاید که منشور سلاطین هفت رکن است شامل «رکن اول تمجید و تحمید، رکن دوم صلوات و تسلیم، رکن سوم صدور منشور است، رکن چهارم تعریف و توصیف آن کس که منشور به نام اوست، رکن پنجم حکم سلطان است و تفویض امر به آن کس که منشور به نام اوست، رکن ششم تأکید بر اجرای امر به طریق و رکن هفتم تأکید است بر اصحاب دیوان و غیر آن در اتباع حکم سلطان و تخویف از عدول مضمون آن.» (گاون، ۱۳۸۱: ۱۹۱-۱۹۲)

منشور دریافت نذورات: اولین سند آستان قدس رضوی درباره اذن جمع‌آوری نذورات در نسخه خطی به نام سفینه در کتابخانه ملی آمده است. جلال‌الدین همایی این منشآت را بسیار مهم برمی‌شمرد که در آن اطلاعاتی مانند سجلات قضات و خلاصه احکام قضائی، نشان تولیت بقعه ابو مسلم خراسانی، نشان بخشش وجه سرشمار، منشآت عزالدین و منشآت عبدالله مروراید آمده است. بشری این سفینه را به مناسبت یادداشت همایی بر آن به نام جنگ همایی معرفی نموده است. سند مورد معرفی با عنوان منشور اذن است به گرفتن نذور از آستان سلطان الأولیاء امام الجن و الانس سلطان ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء آمده است. (سفینه، ۱۷۹/۱۷۸) این سند منشوری است که در ۸۴۵ ق برای سید احمد بن المغفور سید هندو بن المبرور سید حسام‌الدین الحسینی المشهدی جهت جمع‌آوری نذورات برای حرم امام رضا (ع) از سوی دو نفر از سادات موسوی به نام‌های محمد بن عبدالمطلب بن طاهر الموسوی و علی اکبر بن علاءالدین بن عبدالمطلب الموسوی صادر شده است.

سند ۱: سواد منشور صادرشده توسط نقبای آستان قدس رضوی برای سید حسام‌الدین الحسینی المشهدی در ۸۴۵ ق

این انشا که نوشته میشود منقول است از خط فرید زمانه خود مولانا سیمی النیشابوری
هو السلطان

حمدی که اوهم ستاحان دیار سیادت از احصاء حقایق عبارت آن قاصر گردد، و شکری که افهام ستاحان بحار سعادت از انشاء دقایق اشارت آن عاجز ماند موجه سرادقات بارقات جلال و جمال حضرت خالق مرزوقات و رازق مخلوقات - عمت الاوه و تمت نعمانه - که خلعت کرامت دینی و دنیوی و کسوت شهادت صوری و معنوی در بر آدم و آدمیان و عالم و عالمیان پوشانید و شربت راحت و جام کام در کام جان انس و جان نوشانید

در دل سنگ میزند آتش	آن‌که نور تجلی ذاتش
جامه روح بر بر انسان	راست آورد از سر احسان
در دهان چشم‌های آب حیا	فیض جودش نهاد بی‌ظلمات
داد چشمه سلسبیل و کوثر کرد	هر لبی را که از لین تر کرد
صدف گوش را در الفاظ	داد از راه لطف بهر حفاظ
گوهر شب چراغ اختر کرد	چشم‌ها را چو چشمه خور کرد

و درود نامعدود بران مقصود ایجاد که وجود بحر الانساب موجودات و فصل الخطاب مکونات بذات و صفات حضرت او معنعن و مسلسل است و صدر صحیفه شریفه دین و ملت و ملک و دولت اصحاب لیقان و ایقان و ارباب متابعت و مبايعت به توقیع رفیع منیع او مسجل و مکمل

اصل فرع وجود کون و مکان عقل کل روح قدس جوهر جان

نام او در حروف الحمدست	حمد از آن لایق خداوندست
چشم خورشید چون ز عین نظر	دیده رفتار او براه گذر
خاک پای ورا لقب کرده	توتیای بروج پرورده
عقل اجراخور وظیفه اوست	روح پرورده لطیفه اوست
کعبه از کعب او عطاها یافت	مروه از مقدمش صفاها یافت
قطره‌ها جمع گشت و دریا گشت	دژه‌ها مهر عالم‌آرا گشت
برجهان ذره ز مهرش تافت	چشم‌ها نور و جسم‌ها جان یافت

النبي الأُمِّي المَكِّي المدني الأبطحي القرشي الهاشمي الشفيع المشفع في يوم المحشر
الذي نزل في شأنه (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ)

ملائک یکسر از روز ولادت	زده در دامنش دست ارادت
حمید و حامد و محمود و احمد	برای حمد ابوالقاسم محمد

عليه من الصلوات أزكاهما ومن التحيات انماها وبر اولاد عظام واحفاد كرام واصحاب واحباب
واجب الاحترام لازم الاحتشام حضرت با رفعت او که لسان صدق قرآن مجید و فرقان حمید به
صدق لسان ایشان گویاست که (ينصرون الله و رُسُولُهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ)

بر تن آن‌ها که عقل و جان دارند	حکم اولاد او روان دارند
عین حامیم دیده‌اند یقین	آل طه و عترت یس

بتخصیص، آن سلطان ممالک شهادت برهان مسالک عبادت شاه ایوان امامت، ماه آسمان
شهادت مهر سپهر عنایت سپهر مهر رعایت (۱۸۲) نگین خاتم ولایت امین عالم هدایت، فلک
ملک افادت ملک فلک عبادت ضابط خزاین امانت رابط مداین دیانت درّ درج فصاحت درّی
برج سماحت، شه آفاق سلطان خراسان عزیز ملک مصر عالم جان

چراغ و چشم آن چشم و چراغست	که از جان بی فروغ او فراغ است
گل صدبرگ آن پاکیزه اصلست	که با جانان نهال جانش وصل است
سرور سینه آن صدر و بدرست	که از نعلین او سدره بقدرست
فتوح روح آن شیر شجاعست	که وحش و طیر حکمش رامطاع است
فروغ جان آن شاه شهید است	که عکسی از دلش عرش مجید است
گزین تل آن زین عبادست	که در راه عبادت داد دادست
شبه باقر علم حقایق	نظیر که واقف بود از سرّ دقایق
نظیر صادق قول الهی	که بر صدقش ملک داده گواهی

ید بیضاء آن خورشید ثانی که هرگز حق نگفتش لن ترانی
رضاء مرتضی سلطان مطلق ازو حق راضی و او راضی از حق

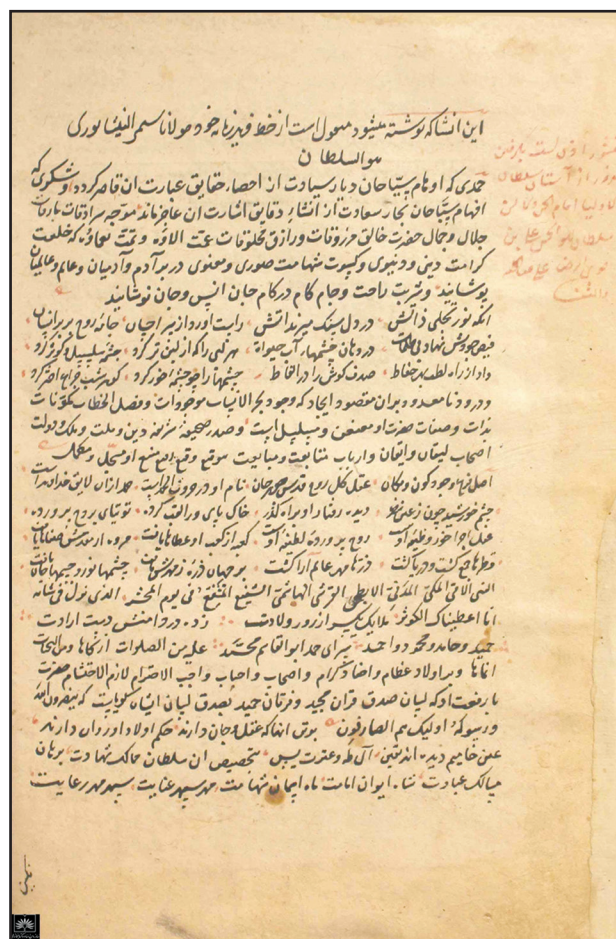
المحلّی بحلیه الصدق والصفاء والمجلّی بجلوة العهد والوفی، الإمام الهمام فی الدین والدنیا أبی الحسن السلطان علی بن موسی الرضا - علیه التحیة والثنا وإلیه الکرامة والدعاء و بعد، موجب تحریر این صحیفه اخلاص جاودانی و سبب تسطیر این اینه صفحه اختصاص دو جهانی آنست که بر ضمایر منیره ارباب الباب معین و مبین است و بر خواطر خطیره اصحاب آداب روشن و مبرهن که مدتی مدید میروند و مهلتی بعید میگذرد که عتبه علیه و سده سنّیه روضه رضویه - علی راقدها الرضاء و التحیة- کعبه حاجات مؤمنین و مؤمنات و قبله مناجات مسلمین و مسلمات بوده و هست و خواهد بود و ابواب اسباب فتوحات و فیوضات بر چهره احوال و جبهه آمال طایفان و حایفان این مطاف اصحاب وفا و مصاف ارباب صفا گشوده و می گشاید و خواهد گشود.

درین جنت که خاکش دلگشاید برین روضه که بادش جان فزاید
ز برّ و بحر آید، مرغ و ماهی برای دیدن صنع الهی
درآید چون درین منزل فرشته که جسمش را خدا از جان سرشته
بچشم جان عیان هرگوشه بیند شهید و شاهد و مشهود و مشهد
ز جنت تا بدین روضه گذشتست بهشت خویش را رضوان بهشتست
اگر خورشید قندیل زرش را معلق بیند از چرخ معلّا
بمهرش از هوا در چرخ آید چو ذره گرد او جولان نماید

لاجرم از اطراف و اکناف اکابر و اشراف و اماجد و اعراف تشریف حضور موفور السرور ارزانی میفرمایند و از سلطان کبیر تا پاسبان کسیر و از امیر وقیر تا اسیر فقیر و از وزیر مشیر (۱۸۲) تا حقیر بشیر برسم تحفه و اسم هدیه از قلیل و کثیر چیزی جهت مدد اخراجات ضروریة نقبا و نجباء موسوی شعار رضوی دثار و سایر سادات باسعادات و معتکفان و مجاوران و خادمان و ملازمان آن آستان ملک مکان اکرام میکنند و در مجازات و مکافات آن نیز [دو کلمه ناخوانا] مثنویات از حضرت رفیع الدرجات و سمیع الدعوات می یابند و مجموع را دولت ابدی و سعادت سرمدی قرین احوال و معین آمل میگردد و جمع دیگر را که در حالت صحت و مرض و عافیت و عرض و برآمدن مراد فراد از باب نسب و گشاد فکر و ذکر نذری و عهدی بر خاطر عاطر خطور میکنند و وفا و اداء آن بحکم فرموده (بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) در ذمه ایشان واجب و لازم میشود و بواسطه بعد مسافت و قرب مخافت در وصول آن توقفی و تخلفی واقع میگردد خاص جهت تکمیل و تحصیل آن کثیر و قلیل معین کرده شد که خدمت با حرمت مرتضی معظم مجتبی مکرم سید احمد بن المغفور سید هندو بن المبرور سید حسام الدین الحسینی المشهّدي - زیدت سیادته که بر نیت صلاح و صلاحیت مزین است و با عزاز امانت و دیانت معزز بهر دیار و مزار گذر و نظر کنند و سلام بی سلام و کلام مالا کلام مقیمان آن مقام را بمسامع ضحاضح خواص و عوام ایام برساند و آنچه بدهند بستاند که اعتماد کلی و اعتضاد اصلی نسبت با مشارالیه درجه علیا و مرتبه قصوی دارد و هرچه حاصل خواهد کرد، بدین عتبه رفیعه واصل خواهد ساخت. متوقع و ملتتمس از اهل کرامت و کرم و شهامت و شیم آنست که دم و قدم او را معزز و محترم دانند و بهر مهم و مرام که رجوع و شروع نماید در امداد و اسعاده وی طریقه

موافقت و وظیفه مرافقت و رعایت دریغ نفرمایند که مقدمه (هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ) نتیجه (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا) به ظهور خواهد رسانید و هرکه هرچه خواهد کرد عوض خواهد دید.

و الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله أجمعین، تحریرا فی محرم الحرام ختم
 بالخیر و المرام سنة خمس وأربعین وثمانمئة الهجرية الهلالية
 حاشیه سمت راست: الفقیر محمد بن عبدالمطلب بن طاهر الموسوی
 أضعف عباد الله القوى، علی اکبر بن علاء الدین بن عبدالمطلب الموسوی أحسن الله أحواله.
 سند ۱: سواد منشور صادرشده توسط نقبای آستان قدس برای سید حسام الدین الحسینی
 المشهدی در ۸۴۵ق



نشان راه برای محمد حموئی یزدی

سند مورد معرفی با عنوان سواد نشان حضرت امام علیه التحیه و الثنا در نسخه خطی المشیخه (کنز السالکین) دربردارنده مجموعه اجازات و یادداشت های دانشمندان و رجال قرن نهم و دهم و نیمه اول قرن یازدهم هجری قمری، آمده است. (حموئی، ۱۳۹۹: ۱۳۰-۱۳۶) این سند به درخواست حموئی یزدی در زمان برگشت از مشهد به یزد توسط نقبای

حرم مطهر امام رضا (ع) برای تشکر و تکریم از او صادر شده است. مشیخه در اصل، دفترچه‌ای بوده است که نجم‌الدین محمد حموئی یزدی (۸۸۵. ۸۱۸ق) فرزند نظام‌الدین اسحاق حموئی (۷۵۷-۸۴۵ق) تهیه نموده و در آن اجازات اساتید و مشایخ خود را به همراه فرزندش شیخ محمد حموی آورده و سپس توسط خاندانش ادامه یافته است. اولین سند این نسخه در تاریخ ۲۷ ذی‌الحجه ۸۴۵ق و آخرین آن یادگاری سید محمدقاسم حسینی برای سالک‌الدین محمد (دوم) به تاریخ ۱۰۲۲ق است. (همان: ۲۴-۳۸) (سند ۲) این سند در نسخه خطی سفینه که منشور جمع‌آوری نذورات در آن ذکر شده نیز آمده است و محتوای آن تفاوتی ندارد. (سفینه، ۱۹۱-۱۹۴)

سند ۲: توصیه‌نامه عتبه رضوی در حق سالک‌الدین محمد حموئی یزدی مورخ ذی‌الحجه ۹۰۶ق

سواد نشان حضرت امام علیه التحیه و الثنا

هو‌العلی

محل مهر بادامی شکل

سجع مهر: وسط مهر: مهر مشهد مقدس الرضا علیه افضل و التحیه و الدعا

اطراف مهر: اسامی چهارده معصوم

عن العتبه العلیّه العلویّه المقدّسه الموصّسه الرضویه حفّت بالأنوار السبحانیّه والآثار النبویّه حمدی که سالکان مسالک توحید و تحمید و مالکان ممالک تقدیس و تمجید که سیّاحان بیداء سخنوری و سیّاحان دریای مجالس گستری - که سلاک طرایق حقایق دو سرایند - سرایند و شکری که بلابل شاخسار تذکیر و عنادل اغصان بیان تبیان و تفسیر که خلاصه جهان نشو و نمایند ادا نمایند لایق بارگاه و شایسته درگاه رفیع الدرجاتی سزد که طوطی شیرین کلام ناطقه را در شکرستان مقال بترنم درآورد و ساز شاخسار تکلم را بر منابر حدایق گفتار سیار کرد

خداوندی که طوطی زبان اهل عرفان را

به ذکر شکرش کس کند کام بیان شیرین (۱۳۱)

برون آورده از آفاق تحمیدات و تقدیسش

دراری ثواب هر سحر، حذاق سحرانین

و صلواتی که درجات منابر حسن ادایش بساق عرش اتصال یابد و سلامی که نسایم روح پرور روح گستر دارالسلام با استقبال او شتابد، نثار مرقد مقدس و مشهد اقدس حضرت متکلم بکلام أنا أفصح و مبین بیان نمکین «أنا أملح» که پایه سریر قدر رفیعش کرسی عرش «دنی فتدلی و گوشه شرفه قصر قرب منبعش قاب قوسین أو أدنی» است

آنکه از حق عطا وجودش بود

غرض از دو سرا وجودش بود

عرش پروردگار، میدانش

همچو کوثر هزار میدانش

آدم آن باغ را که هست بهشت

بهوای درش زدست بهشت

و آل خجسته مآل و اصحاب نعم المآب آن حضرت که واعظان منابر دین و حافظان مآثر یقین‌اند و بعد بر ضمایر منیره و خواطر مستنیره نقّادان دارالضرب الفاظ و معانی و قنّادان شیرین‌کار سخن‌دانی کالشمس فی الضحی روشن و کالبدر فی الدجی مبرهن است که تعلی بذروه عز و علا در دین و دنیا و ترقی بدرجات شرف و هدی در آخرت (۱۳۲) و اولی بملازمت درگاه اولیا و ملائمت بارگاه اصفیا و انقیا منوط و مربوط است سیّما درگاه جنت اشتباه و بارگاه عالم پناه صدر

۱. منظور از اعداد، شماره صفحه نسخ خطی است.

صفة امامت و بدر خطة كرامت والى ولايت و هادى ارباب هدايت مالک ممالك دل و جان انس
و جان سالک مسالك اتقان و ايقان و سلطان دارالملک عرفان و احسان تخت نشين سدفن
بضعة منى بأرض خراسان، گوهر کان کن فکان در دریای تمکین و امکان

شاهی که آستان ملائک ملاذ او سکان عرش راست یقین ملجأ و پناه
میلى زبام گنبد او تا بساق عرش نورش مقربان ملک را دلیل راه

امام الجن والإنس سلطان أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه التحية و السلم و الثناء غرض از
عرض این مقدمات آنست که درین ایام خجسته انجام، أعنى وقفة ذي الحجة الحرام سنة ست
و تسعمائة بسعایت سعادت و دلالت دولت بشرف (۱۳۳) ملازمت این آستان عالیمکان مشرف
گشت عالیجناب هدايت مآب حقایق نصاب معارف شعار عوارف دثار مناقب آثار سلیل أعظم
المشايخ والأولياء و زبدة أكارم الأصفيا و الأنقيا، ناصح الملوك و السلاطين، سالک مسالك الحق
و اليقين، مالک ممالك الهدى و التمكين، صاحب آيات الوعظ و التذكير ناصب رايات الحديث
و التفسير

وعظ او شافى ائقال گناه لفظ او كافى افعال تباه
پایه ای کاورد از و منبر بدست بس که دست واعظان بر چوب بست
در در بحر فضل و نجم سعد دین هادی بر حق، امام مهتدين

قطب فلک نصیحت و حق گوئی، الشیخ سالک الحق والحقیقة و الدین محمد الحمونی عطر
الله مشام السامعین بعطر أنفاسه التقيسة و طیب بطیب أخلاقه و أعراقه للروساء الاعضاء الرئيسه
شرایط زیارت و طواف مرقد ملائک مطاف بوجه احسن بجای آورد و نقباء عظام و سادات انام
و حفاظ کلام و خواص و عوام در مسجد جامع و مشهد رافع و روضه الرضا و قبه الصفا جمع
شده از کلمات شوق انگیز و معارف ذوق آمیزش (۱۳۴) بکرات مستفید و مستفیض گشتند،
الحق درین مدت از اطباق و اعراق ممالك عراق و از نزد اکابر دارالعبادة یزد چنین هزارستان
خوشنوا بر شاخسار خطه خراسان ننشسته و بواسطه شربت خوشگوار وعظ او امراض غفلت
از ساحت سینه مهر خسته جسته، درین ایام چون نسیم چمن، حب وطن در وزیدن آمده بود،
رفیق عزیمت را آواز داد و داغ و داع بر سینه های فکار نهاد بعد از استخاره ازین آستانه مقدسه
نوشته ای که مشاهد کماهی احوال او باشد، التماس فرمود، ایجاباً لملمتسه این سطور مسطور شد
و بجهت علامت سرافرازی آنجناب ازین آستانه مقدسه علمی و شدۀ مرفوع شده حواله شد تا چون
جناب مشارالیه بنظر کیما اثر حضرات سلاطین کامگار و خواقین روزگار - خلد الله تعالی ملکهم
وسلطانهم - و امرا و وزرای ذوی الاقتدار و سادات عظام و اکابر انام و علماء اعلام قرن بالنجح
آمالهم مشرف شود (۱۳۵) سایه التفات خاطر فیاض ازو باز نگیرند و بهر شهر و قریه و لنگر و تکیه
و خانقاه و زاویه در عرب و عجم که تشریف فرمایند مراسم خدمتکاری بتقدیم رسانند. وظیفه
محبان و مخلصان و معتقدان و مریدان این خاندان و آن آستان ملائک آشیان آنکه از مہدّیات و
عطیات بهره مند و محظوظ و بانظار مراقبت ملحوظ گردانند و آنجناب را خلیفه اینجناب دانند.

مستحفظان طرق ایشان و ملازمان ایشانرا از منازل و مراحل بسلامت بگذرانند و یقین دانند که هر خدمتکاری که بنسبت ایشان واقع شود، خیری بموضع و بزی بموقع خواهد بود و در موقف قبول مقبول، توفیق اقتدا و تحقیق اهتدا بستن سنیّه و آداب علیّه، رفیق طریق همگنان باد بالبنی و آله الاکباد تحریراً فی العشر الأوسط من شهر ذی الحجة الحرام سنة ست و تسعمائة

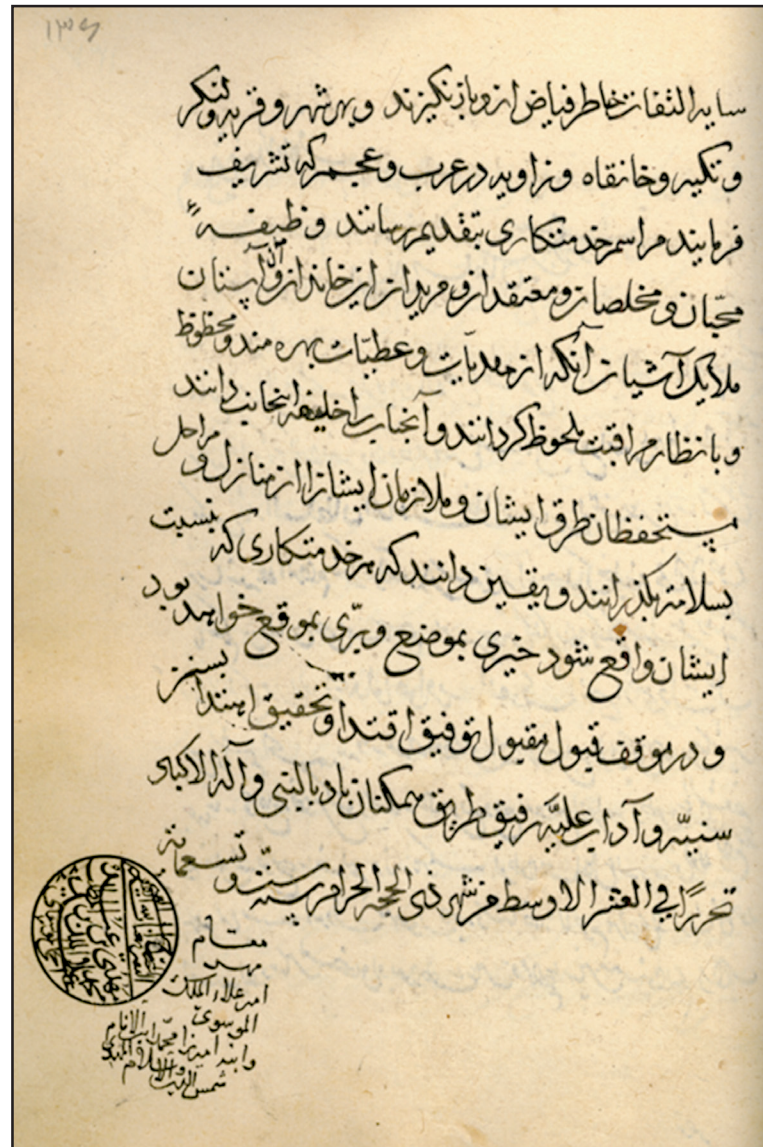
رونوشت توقیعات و مهرها

مقام مهر امیر علاءالملک الموسوی و ابنه امیرزا محمد ابن الإنام شمس الدین و الاسلام المهدی سجع مهر مدور: «الفقیر المحتاج إلى عناية الله الغنی محمد مهدی بن علاءالملک بن عبدالمطلب بن عبدالحی الموسوی». (۱۳۶) بین سطور سند صفحه ۱۳۵: المعتصم بالله الصمد المعبود القوی العبد الفقیر عزیز بن محمد بن محمود الرضوی تجاوز الله عن سیئاتهم. مقام مهر عزیز شریف مهر آستان قدس در ابتدای سند



صفحه انتهای

پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، سال ۳، دوره جدید، شماره ۲، ۱۴۰۴



منشور راه برای محمد حموئی یزدی

منشور سلطان حسین بایقرا دربارهٔ سالک الدین محمد حموی است. این سند منشوری است دیوانی که چون سالک الدین بتاريخ ۱۶ ذی قعدة ۹۰۶ قصد بازگشت از هرات به یزد می‌کند به فرمان سلطان حسین بایقرا در حق او و همراهانش صادر می‌شود. این فرمان خطاب به حکام شهرها و ولایات مسیر و امیران و راهداران و مبنی بر تکریم مالک الدین محمد و همراهان او و عدم تعرض بدیشان و بدرقه آنان تا رسیدن به مقصد است. (حموئی یزدی، ۱۳۹۹: ۱۳۷-۱۳۸) علت انتخاب این سند، بررسی تطبیقی محتوای یک منشور حکومتی با اسناد آستان قدس رضوی است تا تفاوت‌ها و مشابهت‌های آن‌ها مشخص و میزان اختیارات نقبای آستانه در اداره امور حرم مشخص گردد.

الشّواد

هو الفیاض علی الإطلاق

ابوالغازی سلطان حسین بهادر سوزومیز

تا ناصح عنایت الهی ذروه مسند دولت قاهره ما را بنصایح طیبۃ الفوائض إن الله یأمر بالعدل و الاحسان برفعت از پایه کرسی گذرانید و واعظ موهبت نامتناهی، مسامع ابهت باهره ما را به اخبار مکرمات آثار السلطان العادل ظل الله یساری آی للمقسطین علی منابر من نور رسانیده علی الدوام متذکر سرآیه معدلت سرایه إنا جعلناک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحق می باشیم و تفسیر حدیث کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیتہ مطالعه نموده رقمی که مزین دفتر اعدلوا هو اقرب للتقوی نباشد از صحفه دل بی غل می تراشم الحمد لله ومنه المنه که بمدد رفیق توفیق در انتهاج طریق تحقیق صحایف مناشیر جهانبنانی و صفایح فرامین کشور ستانی را بتوقیع وقیع «التعظیم لأمر الله» و طغراء غراء الشفقة علی خلق الله موشح ساخته ایم و ذمه هر یک از طوایف اهل عالم و معاش اولاد آدم را به دیده ارباب الدول ملهمون دیده و شناخته، لاجرم هر فردی را ازیشان فراخور استعداد و مناسب استحقاق او بعواطف بی غایت و مراحم بی نهایت مینوازیم و رایت (۱۳۷) عظیم و لواء تکریم ارباب فضائل و معالی از اعالی و ادانی در مضمار اشتها و افتخار برمی افرازیم خصوصاً علماء دین و سالکان مناہج یقین و مذکران منابر اسلام و حافظان حدود و احکام را که بقدم تتمیم بر مدارج او الذین أوتوا العلم درجات مترقی شده از غرفات من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین جلوه نمایند و بحکم وراثت بر سریر العلماء ورثة الأنبیاء متمکن گشته از مناظر هل یتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون چهره گشای و مصداق این حال و مصدق این مقال آنکه جناب معالی جناب حقایق نصاب معارف شعار مناقب دثار، زینۃ المتوزعین، ناصح الملوک و السلاطین سالک مناہج الإقتان، ناهج مسالك الإیقان الشیخ سالک الملة و الطریقه و التقوی و الدین محمد الحمونی مدت بركات أوقاته الشریفه و أبدت میامن أنفاسه المنیفة بسعادت ادراک مجلس همایون مستسعد گشته منظور نظرات عاطفت سمات شد و به انواع تبجیل و تعظیم من فضل الله العلی العظیم از سایر اقران سابقه امتیاز یافت و مدتی در پایه سریر خلافت مصر اقامت نموده به افاده و تذکیر و ابلاغ دقایق حدیث و لطایف تفسیر کما هو حقّه من لطف الأجادة و حسن التقرير قیام و اقدام نمود و الحق رتبه فضایل و کمالات و درجه مواعظ و مقالاتش به اتم براهین و اکمل دلالات بر ضمائر ارباب دین و دولت و خواطر اصحاب ملک و ملت واضح و لایح گشته اشعه انوار الهی بر ضمیر خورشید تابش کلوامع الفجر المستضی تابان شده و جناب مشارالیه بانظار خسروانه (۱۳۸) ملحوظ و از اعطاف پادشاهانه محتظی و محظوظ گشت. در ین ولا که حادیه حب الوطن من الایمان عنان توجهش به صوب مسقط الراس که محل الفت و استیناس می باشد منعطف گردانیده بود، از درگاه عالم پناه و بخانه مراجعت و معاودت نمود رعایه لخواطره الشریف شرف اجازه ارزانی فرمودیم سبیل کواکب ثواقب سپهر شهریاری یعنی فرزندان کامگار عالی مقدار و نجوم بروج بختیاری، اعنی امراء نامدار و سایر ارکان دولت و اعیان حضرت و امراء تومانات و حکام بلاد و داروغگان و گماشتگان و حفاظ طرق و مباشران مهمات در هر بلده و دیار آنکه به هر جا رسید، مقدم شریف جناب مشارالیه را مغتنم دانسته، لوازم تکریم و شرائط تبجیل و ما یکون من هذا القبیل رعایت نمایند و از فوائد انفاس قدسی اساس اقتباس انوار

عوائد صوری و معنوی فرمایند. حکام و داروغگان در منازل مخوفه بدرقه داده درویشان و ملازمان ایشان را بسلامه گذرانیده و مزاحم و معترض نگردند و مراکب ایشان و رفقاء ایشان را الاغ نگیرند و بهیچ وجه من الوجوه غبار تعرض بر صفحات احوال ایشان روا ندارند و شکر و شکایت ایشان در درگاه سپهر اشتباه بغایت مؤثر و منتج شناسند از جوانب برین جمله روند و چون بتوقیع وقیع رفیع اشرف اعلا، موقع و مشرف و محلی و معلی گردد اعتماد نمایند کی بالأمر العالی لعل الله المتعال فصار نفاذ ولا زال مطاعاً متبعاً فی سادس عشر شهر ذی قعدة الحرام سنة ۹۰۶

مهرها از سمت چپ سند

موضع مهر همایون

مهر مدور: سجع مهر: راستی رستی ابوالغازی سلطان حسین

وزراء

مهر مدور: سجع مهر: معاد البعث خیر العمل، مخلص افضل

مهر مدور: سجع مهر: القبا که لا غر محمد عبدالله... المرو

مهر مدور: سجع مهر: صدق المرء نجاته فی الدارین العبد معزالدين بن یوسف

امراء عظام

مهر مدور: سجع مهر: رضیت علی قسم الله العبد: بن حاجی بن علی

مهر مربع: توکل علی الله

مهرهائ اولاد امجاد

مهر نواب حضرت معدلت معاملت سلطان محمد محسن میرزا، خلد ملکه- مهر مدور: سجع مهر: راستی، رستی

مهر نواب حضرت شاهزاده عالمیان سلطان ابو حسین میرزا أبد الله ملکه- مهر مدور: سجع مهر: راستی، رستی

مهر نواب حضرت شاهزاده عالمیان سلطان مظفر حسین میرزا، خلد الله ملکه- مهر مدور: سجع مهر: راستی، رستی

حاشیه سمت راست سند: شاهدان

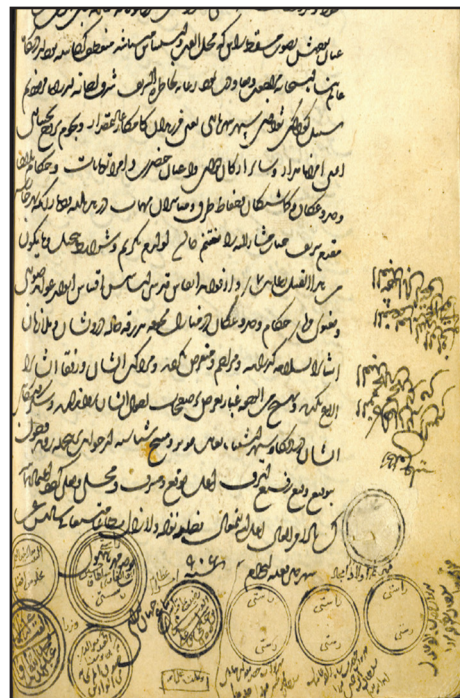
اطلع علیه المتوکل الهاد للدين النبوی العبد محمد بن محمد المروی

المعتصم بعناية الله الوافی شهاب الدين اسحق بن محمد الخوافی (۱۳۹)

سند ۳: منشور دیوانی سلطان حسین بایقرا درباره سالک الدین محمد حمونی یزدی به سال مورخ ۹۰۶



صفحهٔ انتهای



پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، سال ۳، دوره جدید، شماره ۲، ۱۴۰۴

بررسی تحلیلی نشان‌های صادره از آستان قدس رضوی در دورهٔ تیموری

شاخصه‌های سندشناسی

سندشناسی ابزار باارزشی برای شناخت اجزای مختلف سند است. عناصر شکل‌دهنده در سندشناسی شامل عناصر درونی (کامل‌کننده اسناد و عناصر بیرونی (اصالت‌دهنده و اعتباربخش) هستند. بررسی موشکافانه تشکیلات ساختاری اسناد، سیر خط ایجاد اسناد در دبیرخانه‌ها یا دفترخانه‌ها، طرز کار محرران و وسایل کتابت آن‌ها، قالب و قواعد خاص نگارش، سیر تنظیم اسناد در دوره‌های مختلف تاریخی از اندیشه ایجاد تا کارکرد آن‌ها، شرایط تضمین اعتبار اجرای اسناد در ذیل سندشناسی قرار می‌گیرد. (تسیه، ۱۳۷۰: ۲۶۹-۲۷۰) قائم مقامی بر اساس برخی منابع قدیمی و اسناد، رکن مطلع را به سه جزء خطاب، القاب و دعا تقسیم نموده است. رکن حال که موضوع اصلی سند بوده و شامل حال و شرح اشتیاق، به کاربرده شدن تشبیهات و استعارات و تلمیحات در نامه‌ها و موضوع سند، مخاطب سند یا طرفین است و رکن خاتمه یا قسمت انتهایی اسناد مانند دستورات، توصیه، سفارش، دعای انتهایی بوده و قسمت انتهایی اضافات است که به متن اصلی اضافه می‌شود و شامل تحمیدیه، توقیع، طغرا و توشیح و مهر است (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۶۵-۱۶۶) به باور ورنر، تقسیم سند به بخش مقدماتی، متن و قسمت نهایی با توجه به تنوع وسیع اسناد مانند اسناد دولتی و خصوصی، تفاوت‌های حوزه‌های جغرافیایی و پیشینه‌های گوناگون فرهنگی خالی از اشکال نیست و قابلیت اجرایی در اسناد ایرانی را ندارد. (ورنر، ۱۳۹۶: ۴۲-۸۰) این دیدگاه در مجموع برای بررسی اسناد کاربردی تر است، زیرا اسنادی مانند فرامین و احکام، اسناد شرعی و اسناد خصوصی از ساختار متفاوتی برخوردارند و امکان اتخاذ روش مشخص برای بررسی مؤلفه‌های درونی سند دشوار است. (حسن‌آبادی، ۱۴۰۲: ۳۲-۳۴) با توجه به مؤلفه‌های سندشناسی، این اسناد باید از جنبه بیرونی مانند خط، کاغذ و جنبه درونی مانند ساختار درونی و تقسیم‌بندی محتوا بررسی گردد. به دلیل سواد بودن اسناد و اضافات محتوایی آن نمی‌توان به صورت قاطع درباره سندشناسی بیرونی آن اظهار نظر نمود، اما به لحاظ درونی بر اساس دیدگاه قائم مقامی می‌توان اسناد را مورد تقسیم‌بندی قرار داد.

منشور ۸۴۵ق: به کار بردن کلمه منشور برای این سند با توجه به عنوان داده شده در خود سند است.

رکن مطلع: در این قسمت علاوه بر تحمید و ستایش به طور مفصل به طور ضمنی به مدح امام رضا (ع) پرداخته و در نوع خود جالب است، زیرا معمولاً متناسب با شأن گیرنده مدح مطالبی آورده می‌شود، اما در سند به شأن صادرکننده توجه شده است. «...» [بتخصیص، آن سلطان ممالک شهادت برهان مسالک عبادت شاه ایوان امامت، ماه آسمان شهادت مهر سپهر عنایت سپهر مهر رعایت نگین خاتم ولایت امین عالم هدایت، فلک ملک افادت ملک فلک عبادت ضابط خزائن امانت رابط مداین دیانت در درج فصاحت دری برج سماحت، شه آفاق سلطان خراسان عزیز ملک مصر عالم جان [...] المحلی بحلیه الصدق والصفاء والمجلی بحلوة العهد والوفی، الإمام الهمام فی الدین و الدنیا أبی الحسن السلطان علی بن موسی الرضا علیه التحیة و الثنا و الیه الکرامة والدعاء [...]»

رکن حال: «...» و بعد، موجب تحریر این صحیفه اخلاص جاودانی و سبب تسطیر این آینه صفحه اختصاص دو جهانی آنست که بر ضمایر منیره ارباب الباب معین و مبین است [...] به رسم تحفه و اسم هدیه از قلیل و کثیر چیزی جهت مدد اخراجات ضروریه نقبا و نجباء موسوی شعار رضوی دثار و سایر سادات با سعادات و معتکفان و مجاوران و خادمان و ملازمان آن آستان ملک مکان اکرام می‌کنند [...] خاص جهت تکمیل و تحصیل آن کثیر و قلیل معین کرده شد که خدمت با حرمت مرتضی معظم مجتبی مکرم سید احمد بن المغفور سید هندو بن المبرور سید حسام‌الدین الحسینی المشهدی زیدت سیادته که بر نیت صلاح و صلاحیت مزین است و به اعزاز امانت و دیانت معزز به هر دیار و مزار گذر کند و سلام بی سلام و کلام مالا کلام مقیمان آن مقام را به مسامح ضحاح خواص و عوام انام برساند و آنچه بدهند [...]».

رکن خاتمه: «...» متوقع و ملتمس از اهل کرامت و کرم و شهادت و شیم آنست که دم و قدم او را معزز و محترم دانند و

به هر مهم و مرام که رجوع و شروع نماید در امداد و اسعاده وی طریقه موافقت و وظیفه مرافقت و رعایت دریغ نفرمایند [...]». **نشان ۹۰۶ق:** دلیل نامیده شدن این سند به نام نشان مشخص نیست. دقیق نمی‌توان بیان داشت که آیا حموی آگاهانه آن را نشان نامیده یا سلیقه‌ای بوده است، زیرا قسمت شروع و انتهای اسناد مشابهت‌های زیادی دارد تنها در متن اصلی است که با توجه به کارکرد متفاوت می‌باشد. البته این سؤال به وجود می‌آید که آیا آستان قدس رضوی اجازه صدور منشور را داشته است یا خیر؟ با توجه به نقاشی مهر آستان قدس رضوی در سند نشان، به نظر می‌رسد که هر دو سند را باید نشان دانست و البته جای تأمل بیشتری دارد. مهم‌ترین مؤلفه‌های سندشناسی این نشان عبارت است از:

رکن مطلع (خطاب): حمد و سپاس خداوند و یا تعریف شخص، القاب و دعا: «حمدی که سالکان مسالک توحید و تحمید و مالکان ممالک تقدیس و تمجید که سیاحان بیداء سخنوری و سیاحان دریای مجالس گستری - که سلاک طریقی حقایق دو سرایند - سرایند و شکری که بلابل شاخسار تذکیر و عنادل اغصان بیان تبیان و تفسیر که خلاصه جهان نشو و نمایند ادا نمایند لایق بارگاه و شایسته درگاه رفیع الدرجانی سزد [...] و بعد بر ضمایر منیره و خواطر مستنیرة نقادان دارالضرب الفاظ و معانی و قنادان شیرین‌کار سخن‌دانی کالشمس فی الضحی روشن و کالبدر فی الدجی مبرهن است که تعلی به ذروه عز و علا در دین و دنیا و ترقی به درجات شرف و هدی در آخرت و اولی به ملازمت درگاه اولیا و ملائمت بارگاه اصفیا و انقیاء منوط و مربوط است [...] ستدفن بضعة منی بأرض خراسان، گوهر کان کن فکان در دریای تمکین و امکان امام الجن والإنس سلطان ابي الحسن علي بن موسى الرضا عليه التحية والسلام و الثناء غرض از عرض این مقدمات آنست [...]».

رکن حال: «[...] درین ایام خجسته انجام، أعنی وقفة ذي الحجة الحرام سنة ست و تسعمائة بسعایت سعادت و دلالت دولت به شرف ملازمت این آستان عالی مکان مشرف گشت عالیجناب هدایت مآب حقایق نصاب معارف شعار عوارف دثار مناقب آثار سلیل أعظم المشایخ والأولیاء و زبدة أكارم الأصفیاء [...]».

«[...] درین ایام چون نسیم چمن، حب وطن در وزیدن آمده بود، رفیق عزیمت را آواز داد و داغ بر سینه‌های فگار نهاد؛ بعد از استخاره ازین آستانه مقدسه نوشته ای که مشاهد کماهی احوال او باشد، التماس فرمود، ایجاباً لملمتسمه این سطور مسطور شد و بجهة علامه سرافرازی آن جناب ازین آستانه مقدسه علمی و شده ای مرفوع شده حواله شد [...]». در ادامه از دلیل صدور نشان صحبت می‌گردد.

رکن خاتمه: «[...] سایة التفات خاطر فیاض ازو باز نگیرند و به هر شهر و قریه و لنگر و تکیه و خانقاه و زاویه در عرب و عجم که تشریف فرمایند، مراسم خدمتکاری به تقدیم رسانند [...] مستحفظان طرق ایشان و ملازمان ایشان را از منازل و مراحل بسلامه بگذرانند و یقین دانند که هر خدمتکاری که به نسبت ایشان واقع شود، خیری بموضع و بری بموقع خواهد بود [...]».

در انتهای سند تاریخ و در صورت لزوم تأکید مجدد بر انجام کار ذکر می‌گردد و مهرهای صادرکنندگان و تصدیق‌کنندگان می‌آید که در این سند مهر آستان قدس رضوی در ابتدا و مهر امیر علاءالملک الموسوی و ابنه امیرزا محمد ابن الإمام شمس‌الدین و سجع مهر دایره: «الفقیه المحتاج إلى عناية الله الغنی محمد مهدی علاءالملک بن عبدالمطلب بن عبدالحی الموسوی و عزیز بن محمد رضوی» آمده است.

منشور سلطان حسین بایقرا مورخ ۹۰۶ق

رکن مطلع: «[...] تا ناصح عنایت الهی دروه مستند دولت قاهره ما را بنصایح طیبة الفوائح إن الله يأمر بالعدل والاحسان برفعت از پایه کرسی گذرانید و واعظ موهبت نامتناهی، مسامع ابهت باهره ما را به اخبار مکرمات آثار السلطان العادل ظل الله [...] که بمدد رفیق توفیق در انتهای طریق تحقیق صحایف مناشیر جهانبانی و صفایح فرامین کشور ستانی را بتوقيع

وقیع «التعظیم لأمر الله» و طغراء غراء الشفقة علی خلق الله موشح ساخته ایم [...]».

رکن حال: «[...] لاجرم هر فردی را از ایشان فراخور استعداد و مناسب استحقاق او بعواطف بی غایت و مراحم بی نهایت مینواзіم و رأیت تعظیم و لواء تکریم ارباب فضائل و معالی از اعالی و ادانی در مضمار اشتها و افتخار برمی افرازیم خصوصاً علماء دین و سالکان مناهج یقین و مذکران منابر اسلام و حافظان حدود و احکام [...] الشیخ سالک الملة و الطریقة و التقوی و الدین محمد الحموی مدت بركات أوقاته الشریفة وأبدت میامن أنفاسه المنیفة بسعادت ادراك مجلس همایون مستسعد گشته منظور نظرات عاطفت سمات شد و به انواع تبجیل و تعظیم من فضل الله العلی العظیم از سایر اقران سابقه امتیاز یافت [...]».

رکن خاتمه: «[...] سبیل کواکب ثواقب سپهر شهریاری یعنی فرزندان کامگار عالی مقدار و نجوم بروج بختیاری، اعنی امراء نامدار و سایر ارکان دولت و اعیان حضرت و امراء تومانات و حکام بلاد و داروغگان و گماشتگان و حفاظ طرق و مباشران مهمات در هر بلده و دیار آنکه به هر جا رسید، مقدم شریف جناب مشارالیه را مغتنم دانسته [...] ندارند و شکر و شکایت ایشان در درگاه سپهر انتباه بغایت مؤثر و منتج شناسند از جوانب برین جمله روند و چون بتوقیع وقیع رفیع اشرف اعلا، موقع و مشرف و محلی و معلی گردد اعتماد نمایند [...]».

بررسی تطبیقی دو سند آستان قدس رضوی نشان می دهد که با وجود تفاوت نام و کارکرد از ساختار سندشناسی تقریباً یکسانی برخوردارند، اما در مقایسه با منشور حکومتی در رکن حال و خاتمه برخی تفاوت ها وجود دارد که تفاوت در لحن و بیان سند و جنبه دستوری مهم ترین وجه آن است. تأکید بر شأن شاه در صدور منشور و وجوب انجام آن در سند حکومتی مشهود است، درحالی که در اسناد صادره توسط آستان قدس رضوی کمک به ایشان نه به عنوان وظیفه، بلکه انجام امر خیر شمرده شده است. اعتبار انجام منشور بایقرا قدرت پادشاهی است، درحالی که در آستان قدس نقبا با استفاده از جایگاه مذهبی امام رضا (ع) و شأن و احترام آن اقدام به صدور سند نموده اند. مخاطبان اسناد نیز تقریباً یکی هستند، اما با بیان متفاوتی مورد خطاب قرار گرفته اند. در اسناد آستان قدس رضوی، اسم نقبا به عنوان صادرکننده نیامده و صرفاً به عنوان تصدیق کننده سند در انتهای سند نام خود را آورده اند. این محذوریت در تمام ارکان مشهود است. البته در دو سند اشاره مستقیم به نام امام رضا (ع) نمی شود.

جدول ۱: بررسی تطبیقی ارکان سندشناسی اسناد مورد بررسی

مؤلفه سندشناسی	منشور آستان قدس مورخ ۸۴۵ق	نشان آستان قدس مورخ ۹۰۶	منشور بایقرا مورخ ۹۰۶
رکن مطلع	حمد و دعا: أن سلطان ممالك شهادت برهان مسالك عبادت شاه ایوان امامت، ماه آسمان شهامت مهر سپهر عنایت سپهر مهر رعایت نگین خاتم ولایت امین عالم هدایت، فلک ملک افادت ملک فلک عبادت ضابط خزاین امانت رابط مداین دیانت در درج فصاحت دری برج سماحت، شه آفاق سلطان خراسان عزیز.	ستدفن بضعة منی بأرض خراسان، گوهر کان کن فکان در دریای تمکین و امکان شاهی که آستان ملایک ملاذ او سکان عرش راست یقین ملجا و پناه میلی زبام گنبد او تا به ساق عرش نورش مقربان ملک را دلیل راه امام الجن والانس سلطان أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه التحية والسلام والثناء.	تا ناصح عنایت الهی دروه مستد دولت قاهره ما را بنصایح طیبة الفوائح إن الله یأمر بالعدل والاحسان برفعت از پایه کرسی گذرانید و واعظ موهبت نامتناهی، مسامع ابهت باهره ما را به اخبار مکرمات آثار السلطان العادل ظل الله.

لاجرم هر فردی را از ایشان فراخور استعداد و مناسب استحقاق او بعواطف بی غایت و مراحم بی نهایت مینوازیم و رایت تعظیم و لواء تکریم ارباب فضائل و معالی از اعالی و ادانی در مضمار اشتها و افتخار برمی افرازیم خصوصاً علماء دین و سالکان مناہج یقین.	بعد از استخاره ازین آستانه مقدسه نوشته ای که مشاهد کماهی احوال او باشد، التماس فرمود، ایجاباً لملتسمه این سطور مسطور شد و بجهة علامه سرافرازی آن جناب ازین آستانه مقدسه علمی و شّده ای مرفوع شده حواله شد.	دلیل صدور سند و گیرنده: به رسم تحفه و اسم هدیه از قلیل و کثیر چیزی جهت مدد اخراجات ضروریة نقبا و نجیاه موسوی شعار رضوی دثار و سایر سادات با سعادات و معتکفان و مجاوران و خادمان و ملازمان [...] سید احمد بن المغفور سید هندو بن المبرور سید حسام الدین الحسینی المشهدی.	رکن حال
کواکب ثواقب سپهر شهریاری یعنی فرزندان کامگار عالی مقدار و نجوم بروج بختیاری، اعنی امراء نامدار و سایر ارکان دولت و اعیان حضرت و امراء تومانات و حکام بلاد و داروغگان و گماشتگان و حفاظ طرق و مباشران مهمات در هر بلده و دیار آنکه به هر جا رسید، مقدم شریف جناب مشار الیه را مغتنم دانسته.	سایة التفات خاطر فیاض ازو بازنگیرند و به هر شهر و قریه و لنگر و تکیه و خانقاه و زاویه در عرب و عجم که تشریف فرمایند، مراسم خدمتکاری به تقدیم رسانند. وظیفه محبان و مخلصان و معتقدان و مریدان این خاندان و آن آستان ملایک آشیان آنکه از مُهدیات و به عطیات بهره مند و محظوظ و به انظار مراقبت ملحوظ گردانند و آن جناب را خلیفه اینجانب دانند. مستحفظان طرق ایشان و ملازمان ایشان را از منازل و مراحل بسلامه بگذرانند و یقین دانند که هر خدمتکاری که به نسبت ایشان واقع شود، خیری بموضع و بری بموقع خواهد بود.	خطاب به گیرندگان و تاریخ سند: متوقع و ملتمس از اهل کرامت و کرم و شہامت و شیم آنست که دم و قدم او را معزز و محترم دانند و به هر مهم و مرام که رجوع و شروع نماید در امداد و اسعادی و طریقه موافقت و وظیفه مرافقت و رعایت دریغ نفرمایند [...].	رکن خاتمه

شاخصه های سند پژوهی سند

از زمان شهادت امام رضا (ع) و ایجاد بارگاهی برای ایشان که به تدریج در دوره های مختلف تاریخی گسترش یافت، وجود افرادی برای مدیریت بقعه لازم بود که به این افراد اصطلاحاً نقیب گفته می شد. نقابت و نقیب از دید لغت شناسی، از ریشه نقب به معنای شکافتن و سوراخ کردن، راه گشودن و کاویدن ژرفای چیزها و گردش و جست و جو گرفته شده است. (خالقی، ۱۳۸۷: ۲۵) نقیب به معنای عام کلمه به فردی گفته می شد که سرپرستی گروه معینی را بر عهده داشته باشد، اما در معنای خاص آن در اوایل خلافت عباسیان، کسانی را به عنوان نقیب انتخاب می کردند تا به امور علویان و عباسیان رسیدگی کنند. (پروانه، ۱۴۰۰: ۷۷) بر اساس منابع چنین برمی آید که سادات موسوی از قرن چهارم هجری قمری نقابت سادات را بر عهده داشته اند. گویا نسلی از سادات موسوی از دوره سامانی به مشهد آمده و اداره حرم و نقابت سادات را بر عهده داشته اند که تا انتهای دوره تیموری ادامه پیدا کرده است. بزرگ این خاندان، حمزه بن موسی الکاظم (ع) و احمد المجذور یا احمد الاسود اولین فردی بود که به طوس آمد. (نقدی، ۱۳۹۰: ۱۱۰) در دوره های مختلف تاریخی از سادات

موسوی در طوس و مشهد به عنوان رجال تأثیرگذار سیاسی و مذهبی نام برده شده است که می‌توان به بدرالدین نقیب در زمان اولجایتو اشاره داشت (خوافی، ۱۳۳۹: ۱۷/۲) سادات موسوی در دوره تیموری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. طاهر موسوی دو فرزند به نام امیر غیاث‌الدین محمد (گنبد خشتی) و امیر نظام‌الدین عبدالحی داشت که از دومی به عنوان سلطان‌النقبا یاد شده است. جایگاه نظام‌الدین عبدالحی تا آنجا بود که نوه‌اش مولانا جلال‌الدین عبدالرحمان سال‌ها به صدارت میرزا بایسنقر و میرزا علاءالدوله منصوب شود. (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۲۶/۴) در دوره سلطان حسین بایقرا از امیر نظام‌الدین عبدالحی و امیر علاءالملک و غیاث‌الدین عزیز به عنوان نقبای سادات در مشهد و اداره‌کنندگان امور حرم و نقبای سادات نام برده شده است. (همان: ۳۳۳/۴) همچنین در امر تولیت موقوفات و داشتن مناصب شرعی دیگر در دوره تیموری پیشتاز بوده‌اند. (چاهیان بروجنی و چلونگر، ۱۳۹۹: ۱۰۴-۱۱۱)

سادات موسوی صادرکننده سند مورخ ۸۴۵ ق، شامل دو نفر به نام‌های محمد بن عبدالمطلب بن طاهر الموسوی و علی‌اکبر بن علاءالدین بن عبدالمطلب الموسوی هستند. میری و همکاران در مقاله «گنبد خشتی» در بررسی اعقاب نظام‌الدین محمد ذکر می‌کنند که نام عبدالمطلب در شجره‌ها مورد اختلاف است و تنها شوشتری از او به عنوان فرزند نظام‌الدین عبدالحی یاد می‌کند. (میری و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۶۰) درحالی‌که در منشور از عبدالمطلب به عنوان فرزند طاهر یاد شده که تاکنون در منابع به آن اشاره نشده است. به نام علی‌اکبر فرزند علاءالدین نیز تاکنون در شجره‌های تهیه شده درباره سادات موسوی اشاره نگردیده است. این موضوع اهمیت سند را برای مستندسازی شجره سادات موسوی بیشتر می‌کند. بشری درباره چرایی صدور این منشور معتقد است که یکی از پادشاهان تیموری آن را منتشر نموده است که با توجه به محتوا و مهرهای انتهای سند، تحلیلی درستی نیست و می‌توان آن را اولین منشور در دسترسی عنوان نمود که توسط نقبای اداره‌کننده آستان قدس رضوی صادر شده است. (بشری، ۱۴۰۱: ۱۷۶) امیر علاءالملک الموسوی و فرزندش محمد مهدی بن علاءالملک بن عبدالمطلب بن عبدالحی الموسوی دو نام دیگر هستند که در سند مورخ ۹۰۶ ق در کنار عزیز بن شمس‌الدین محمد رضوی به عنوان صادرکننده نشان از آن‌ها نام برده شده است. شمس‌الدین محمد رضوی که بعد از ۱۶ نسل به امام رضا (ع) می‌رسد، اولین نسل از خاندان رضوی است در زمان شاهرخ به مشهد آمد و به شغل تدریس در شهر مشغول شد. منابع تصریحی در ماندن یا رفتن او نداشته‌اند، اما فرزندش غیاث‌الدین بنا به گفته مجالس‌النفایس در زمره نقباء مشهد بوده و با امیر عبدالحی، امیر علاءالملک از سادات موسوی به طور مشترک نقابت سادات را بر عهده داشته که نامش در سند نیز آمده است. به نظر می‌رسد سید غیاث‌الدین چهره‌ای شناخته شده‌تر و برجسته‌تر بوده که بعد از او نقابت به فرزند بزرگ‌ترش امیرزاده محمد رسید. (نوائی، ۱۳۶۳: ۴۷۰/۱)

گویا اجازه صدور نشان و فرمان به آستان قدس رضوی درواقع احترامی است که از سوی حکومت‌ها از دوره تیموری تا انتهای دوره قاجار به اداره‌کنندگان آستان قدس رضوی داده می‌شده است تا از طریق آن بتوانند امور جاری خود را به انجام برسانند. البته این مسئله را به صورت جامع نمی‌توان در تمامی دوره‌های تاریخی یکسان دانست. فرامین در دسترس از آستان قدس رضوی از دوره صفویه به بعد نشان می‌دهد که این نهاد مذهبی حق داشته به جای شاه در راستای امور داخلی خود فرامینی را صادر نماید. البته همان‌گونه که از بررسی تطبیقی مشخص گردید، این فرامین با وجود مشابهت ساختاری از محتوای متفاوتی برخوردار است و لحن فرامین آستان قدس جنبه احترام و حمایتی دارد تا جنبه دستوری، به ویژه در مواردی که مخاطبان فرمان در خارج از آستان قدس بوده‌اند، اما به هر حال نشان می‌دهد که شأن این نهاد مذهبی به عنوان صادرکننده فرمان همواره رعایت می‌شده است. با توجه به نبود اصل سند، مشخص نیست که مهر آستان قدس رضوی در سند مورخ ۸۴۵ ق در بالای سند زده شده است یا خیر، اما در نشان مورخ ۹۰۶ ق با توجه به نقاشی صورت مهر در بالای سند در نسخه مشیخه مشخص است که این اجازه به آستان قدس رضوی داده شده است.

نتیجه

اسناد صادره حاکی از اهمیت حرم مطهر امام رضا (ع) و شأن اداری آن در دوره تیموری است. سادات موسوی و رضوی در زمره علما و رجال این دوره محسوب می شدند و جایگاه مذهبی و سیاسی آنان در کنار شأن مذهبی حرم، مؤلفه های قدرتی را فراهم کرده بود که امکان صدور نشان و منشور را برای اداره امور این نهاد مذهبی فراهم می کرد. عناصر سندشناسی اسناد صادره از آستان قدس رضوی با دربار تا حدی متفاوت است. هرچند در ساختار سند شباهت هایی وجود دارد، اما در محتوا به ویژه در خاتمه سند، تفاوت آشکار وجود دارد؛ جایی که لحن اسناد از دستوری در منشور سلطانی به محترمانه در آستان قدس رضوی تغییر می کند. بررسی این اسناد مبین کارکرد نهادهای مذهبی در این دوره و حمایت پادشاهان تیموری از یک نهاد شیعی است، زیرا تاکنون بیشتر مصادیق حمایت از حرم امام رضا (ع) در هدایا و ساخت و ساز اماکن خلاصه می شد و کمتر به جایگاه اداری آن و میزان اختیارات در اداره امور توجه شده است. بررسی تطبیقی اسناد آستان قدس رضوی با منشور حکومتی نشان می دهد که به دلیل تفاوت در ماهیت صدور سند، در لحن و محتوا بایکدیگر مشابه نیستند.

منابع

- انوری، حسن. (۱۳۸۱). واژه نشان، فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- بشری، جواد. (۱۴۰۱). «منشور اذن دریافت نذورات و هدایای آستان قدس به قلم سیمی نیشابوری (نگاشته ۸۴۵ ق)». *آینه میراث*. (شماره ۷۱)، ۱۶۷-۱۸۸.
- پروانه، فرهاد. (۱۴۰۰). «منصب نقابت در دوران آل بویه». *پژوهش در آموزش تاریخ*. (شماره ۵)، ۷۵-۸۲.
- تسبی، ژرژ. (۱۳۷۰). *علم مطالعه اسناد و فرامین، روش های پژوهش در تاریخ*. ج ۴. ترجمه مهدی علایی حسینی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). «منشآت های دوره تیموری (بر اساس تحلیل منشأالانشاء)». *گنجینه اسناد*، (شماره ۴)، ۶-۲۵.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۴۰۲). *درآمدی بر سندشناسی و سندپژوهی در منابع آرشیوی*. تهران: سمت.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). «بررسی تحلیلی نشان های حج». *مجموعه مقالات همایش بین المللی حج در پویه تاریخ*. تهران: نگارستان اندیشه، ۱۹۷-۲۱۳.
- حمویی، نظام الدین اسحاق، و همکاران. (۱۳۹۹). *المشیخه: کنز السالکین*. مقدمه و تصحیح محمد طباطبائی بهبهانی. تهران: میراث مکتوب.
- خوافی، فصیح. (۱۳۳۹). *مجمعل فصیحی*. تصحیح محمود فرخ. مشهد: باستان.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین. (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب السیر*. تهران: خیام.
- چاهیان بروجنی، علی اصغر، و چلونگر، محمد علی. (۱۳۹۹). «بررسی جایگاه نقابت مشهد در عصر تیموری». *فرهنگ رضوی*. (شماره ۳۲)، ۸۵-۱۱۹.
- خالقی، محمد هادی. (۱۳۸۷). *دیوان نقابت*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
- ورنر، کریستوف. (۱۳۹۶). «ابعاد صوری اسناد فروش دوره قاجار». *اسناد ایرانی: تاریخ اجتماعی ایران و توران از سده دهم تا چهاردهم هجری*. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۴۰-۱۰۱.

- گاوآن، عمادالدین محمود. (۱۳۸۱). مناظرالانشاء. تصحیح معصومه معدن‌کن. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- میری، مهدی، و همکاران. (۱۳۸۰). «گنبد خشتی مشهد (مقبره امیر سلطان غیاث‌الدین محمد بن ... موسی بن جعفر (ع))». وقف میراث جاویدان. (شماره ۳۵-۳۶)، ۱۴۹-۱۶۲.
- نقدی، رضا. (۱۳۹۰). «سادات موسوی مشهد و نقش آنان در اداره حرم مطهر امام رضا (ع)». مشکوة. (شماره ۴)، ۱۰۹-۱۲۸.
- نقدی، رضا. (۱۳۹۲). «سواد جواز امیر علاءالملک موسوی، متولی حرم مطهر رضوی برای شیخ محمد حموی به تاریخ اواسط دهه دوم محرم سال ۹۰۶». مجموعه رسائل فارسی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۳۰۸-۳۲۰.
- نوائی، امیرعلیشیر. (۱۳۶۳). مجالس النفائس. به‌کوشش علی‌اصغر حکمت. تهران: منوچهری.
- نسخ خطی
- حموی یزدی. (سده یازدهم هجری). المشیخه. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ثبت: ۲۱۴۳.
- جنگ تاریخی همائی. (سده دهم هجری). کتابخانه ملی، شماره ثبت: ۱۱۹۴۴۲۳.

References

- Anvari, Hassan. (1381 [2002]). Vazheh-Neshan, Farhang-e Bozorg-e Sokhan (Comprehensive Sokhan Dictionary). Tehran: Sokhan.
- Boshri, Javad. (1401 [2022]). "The Charter Granting Permission to Receive Offerings and Gifts for Aṣṭan Quds Written by Simi Neyshaburi (845 AH)." Ayeneh-ye Miras, no. 71, pp. 167–188.
- Parvaneh, Farhad. (1400 [2021]). "The Office of Naqabat during the Buyid Period." Research in History Education, no. 5, pp. 75–82.
- Tessier, Georges. (1370 [1991]). The Study of Documents and Decrees: Methods of Historical Research, Vol. 4. Translated by Mehdi Alaei Hosseini. Mashhad: Aṣṭan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Hasanabadi, Abolfazl. (1397 [2018]). "Timurid Period Correspondence (Based on an Analysis of Mansha' al-In-sha')." Ganjineh-ye Asnad, no. 4, pp. 6–25.
- Hasanabadi, Abolfazl. (1402 [2023]). An Introduction to Documentology and Archival Studies in Archival Sources. Tehran: SAMT.
- Hasanabadi, Abolfazl. (1397 [2018]). "An Analytical Study of Hajj Decrees." In Proceedings of the International Conference on Hajj in the Course of History. Tehran: Negarestan-e Andisheh, pp. 197–213.
- Hamouei, Nezam al-Din Eshaq, et al. (1399 [2020]). Al-Mashyakha: Kanz al-Salekin. Edited and introduced by Mohammad Tabatabaei Behbahani. Tehran: Miras-e Maktub.
- Khafi, Fasih. (1339 [1960]). Mujmal-e Fasihi. Edited by Mahmoud Farrukh. Mashhad: Baṣṭan.
- Khvandamir, Ghiyath al-Din ibn Homam al-Din. (1380 [2001]). Tarikh-e Habib al-Siyar. Tehran: Khayyam.
- Chahian Borujeni, Ali Asghar, and Chelongar, Mohammad Ali. (1399 [2020]). "The Status of the Naqabat of Mashhad in the Timurid Era." Farhang-e Razavi, no. 32, pp. 85–119.
- Khaleghi, Mohammad Hadi. (1387 [2008]). Divan-e Naqabat. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Qa'em-Maqami, Jahangir. (1350 [1971]). An Introduction to Familized to Historical Documents. Tehran: National Heritage Society.
- Werner, Christoph. (1396 [2017]). "Formal Aspects of Qajar-Era Sale Documents." In Iranian Documents: The Social History of Iran and Turan from the 10th to 14th Centuries AH. Mashhad: Aṣṭan Quds Razavi Islamic Research Foundation, pp. 40–101.

- Gavan, Emad al-Din Mahmoud. (1381 [2002]). *Manazer al-Insha*. Edited by Masoumeh Ma'dan-Kan. Tehran: Academy of Persian Language and Literature.
- Miri, Mehdi, et al. (1380 [2001]). "Gonbad-e Kheshti of Mashhad (Tomb of Amir Sultan Ghiyath al-Din Muhammad ibn ... Musa ibn Ja'far [A.S.])." *Vaqf: Eternal Heritage*, nos. 35–36, pp. 149–162.
- Naqdi, Reza. (1390 [2011]). "The Musavi Sayyids of Mashhad and Their Role in the Administration of the Holy Shrine of Imam Reza (A.S.)." *Meshkat*, no. 4, pp. 109–128.
- Naqdi, Reza. (1392 [2013]). "The Permit Issued by Amir Ala al-Molk Musavi, Custodian of the Holy Razavi Shrine, to Sheikh Mohammad Hamavi, Dated Mid-Second Decade of Muharram 906 AH." In *Collection of Persian Treatises*. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, pp. 308–320.
- Nava'i, Amir Ali Shir. (1363 [1984]). *Majalis al-Nafayes*. Edited by Ali Asghar Hekmat. Tehran: Manouchehri.
- Manuscripts
- Hamouei Yazdi. (11th century AH). *Al-Mashyakha*. Central Library of the University of Tehran, Reg. No. 2143.
- Jang-e Tarikhi-ye Homa'i (Historical Anthology of Homa'i). (10th century AH). National Library, Reg. No. 1194423